

مقدمه

سیاست خارجی به «مجموعه خط‌مشی‌ها، تدابیر و روش‌های انتخاب موضوعی اشاره دارد که یک دولت در برخورد با امور و مسائل در چهارچوب اهداف کلی حاکم بر نظام سیاسی اعمال می‌نماید» (محمدی، ۱۳۸۶: ۱۸) یا به تعبیر دیگر «سیاست خارجی یک راهبرد یا یک رشته اقدامات برنامه‌ریزی شده است که تصمیم‌گیرندگان یک کشور در راستای نیل به اهداف خاصی که بر پایه منافع ملی تعریف شده‌اند، در رابطه با سایر کشورها یا موجودیت‌های بین‌المللی به اجرا می‌گذارند» (پوراحمدی و همکاران، ۱۳۸۸: ۳۵). تحقق اهداف سیاست خارجی و تأمین اهداف ملی در خارج از کشور، تحت تأثیر عوامل و زمینه‌های مختلفی قرار دارد. سید کاظم سجادپور در کتاب *سیاست خارجی ایران: چند گفتار در عرصه‌های نظری و عملی*، دو دسته عوامل را در شکل‌دهی به تحولات اجتماعی و از جمله تحولات سیاست خارجی (تداوم و تغییر) مؤثر می‌داند؛ دسته اول عوامل «ساختاری» محسوب می‌شوند که با تغییرپذیری اندک دارای تداوم نسبی هستند و دسته دوم، عوامل مربوط به «وضعیت» را در برمی‌گیرد که تغییر و تحول سیاست خارجی را به دنبال دارد (سجادپور، ۱۳۸۳: ۴۶).

عوامل مربوط به «وضعیت» که همواره در حال دگرگونی هستند، دو دسته‌اند؛ یکی تغییر در محیط سیاسی که در سه سطح محیط داخلی، محیط منطقه‌ای و محیط بین‌المللی رخ می‌دهد که هیچ‌کدام ثابت نیستند. دسته دوم مربوط به نخبگان سیاست خارجی است که چگونگی آموزش، تجربه‌اندوزی اجتماعی و سیاسی نخبگان و همچنین شرایط زمانی در نحوه نگرش آنها نسبت به پدیده‌های